

۱۴۰۴ برای ایران و جهان چگونه گذشت؟

سال تاب آوری ایران

گزارش

سال ۱۴۰۴گرچه برای ایران یک سال ویژه در تاریخ معاصرش بود اما دنیا هم در این سال شمسی نمایه‌هایی پرنگ از یک جهان بیشتر آتارَشیک شده را آشکار کرد که چشم‌انداز سال‌های پیش رو در جهان را بیشتر به سمت تیره و تار شدن ترسیم می‌کند. اگر همچنان منطق رئالیسم (واقع گرایی) بر سیاست بین‌الملل حکفرما باشد- همچنان که بعد از جنگ دوم جهانی بوده است- جهان نه بر پایه «روابط همکاری محور» که بر اساس الگوی موازنه قدرت و تغییر در توزیع قدرت پیش خواهد رفت و خروجی این مسیر برای جهان

بازگشت تنش به شبه قاره

یک حمله مرگبار به گردشگردن در کشمیر تحت کنترل هند و تشدید تنش میان پاکستان و هند پس از لغایضی‌های تهدیدآمیزطرفین، در نهایت آتش درگیری را شعله‌ور کرده و به یک جنگ محدود میان واحد سیاسی مجهبه به سلاح هسته‌ای ختم شد؛ اگرچه این جنگ به سرعت خامنه پیدا کرد اما این تقابل همچنان آتشی است که زیر خاکستر مانده است. پیش از این جنگ، هند مجموعه‌ای از اقدامات تنبیهی را علیه اسلام آباد انجام داد؛ روابط دیپلماتیک با پاکستان را کاهش داد و معاهده حیاتی تقسیم‌سیم آبی های مرزی را به حالت تعلیق درآورد و تمام ویژه‌های صادرشده برای شهروندان پاکستانی را لغو کرد.

پاکستان هم در واکنش به این اقدام حريم هوایی خود را برای تمام خطوط هوایی متعلق به هند بست و تجارت با هند را حتی از طریق کشوری ثالث به حالت تعلیق درآورد. پاکستان همچنین هشدار داد که ممکن است توافقنامه شمیلا را نیز به حال تعلیق درآورد که اقدامی مهم و نگران کننده بود. این معاهده صلح که پس از جنگ ۱۹۷۱ هند و پاکستان امضا شد، خط کنترل بین دو کشور که پیش‌تر «خط آتش پس» نام داشت را به عنوان مرز غیررسمی و به‌شدت نظامی شده‌ای که کشمیر را میان دو کشور تقسیم می‌کند، تثبیت کرد. این توافق بود که به جدایی بن‌گلاش از پاکستان انجامید.

جنگ تحمیلی ۱۲ روزه

صهیونیستی به ایران با بهت مواجه شد. در حالی که نگاه جهان به مسقط پایتخت سلطنت عربی عمان دوخته شده بود تا مذاکرات عراقچی-ورتکاب به یک توافق معنادار برای تهران وااشنگتن منجر شود، دونالد ترامپ و بنیامین نتانیاهو، میز مذاکرات را مبارمان و جنگ را به ایران تحمیل کردند. جنگی که البته با گذشت زمان اثبات کرد با سوم محاسبه رژیم اسرائیل و ترامپ درگرفته و متجاوز به اهدافش دست پیدا نکرده است.

سردرگمی آشکار ترامپ در تجاوز ۱۲ روزه رژیم صهیونیستی، تردیدها در مورد ثبات سیاست آمریکا را افزایش داد. وال استریت ژورنال در مقاله‌ای که در آن زمان منتشر شد، تصریح کرد که امنیت ملی آمریکا به دلیل ناتوانی ترامپ در «نه گفتن» به اسرائیل، ضربه مهلکی را متحمل شده است. این مقاله تحلیل رفتن موشک‌های اسرائیل و ناتوانی آمریکا در تأمین مقادیر کافی از آنها را بررسی کرد. این روزنامه نوشت: «آمریکا به اسرائیل کمک می‌کند، اما چیز زیادی ندارد. این کشور فقط موشک‌های هوشمند کافی برای یک جنگ تمام عیار سه یا چهار هفته‌ای دارد و پس از آن چهار تا شش سال زمان نیاز دارد تا ذخایر خود را به سطح قبلی بازگرداند. در این صورت، آمریکا چیزی برای ارائه به اسرائیل، اوکراین یا حتی اروپا نخواهد داشت.»

این مقاله نتیجه گرفت «اسرائیل که مدت‌هاست به آمریکا تکیه داشته، خود را قادر به انجام یک جنگ طولانی مدت علیه ایران نمی‌بیند. در واقع، در ماه گذشته به معنای اتمام سلاح‌هایی است که برای استفاده علیه چین برنامه‌ریزی شده‌اند و امنیت ملی آمریکا را اندانند.»

فاران یلویی هم نوشت: «اهداف اصلی نتانیاهو در جنگ ۱۲ روزه -تضعیف و بازدارندگی ایران و عقب راندن مؤلفه‌های برنامه هسته‌ای ایران -تحقق نیافت. یکی از مهم‌ترین شکست‌ها در حوزه هسته‌ای است که هیچ تأییدی مبنی بر کاهش معنادار ظرفیت بالقوه ایران نشان نداد. در حالی که مقامات دولت ترامپ ادعا کرده‌اند تجاوز نظامی برنامه هسته‌ای ایران را سال‌ها به عقب رانده است، ارزیابی‌های اولیه اطلاعاتی ایالات متحده و اروپا خلاف این را نشان می‌دهند. تصاویر ماهواره‌ای پیش از تجاوزات نشان دهنده جابه جایی احتمالی تجهیزات حساس از سایت‌های کلیدی بود و ایران پیش‌تر ساخت یک تأسیسات جدید، مخفی و مقاوم‌سازی شده برای غنی سازی را اعلام کرده بود که ممکن است دست‌نخورده باقی مانده باشد.» این رسانه اضافه کرد: «مهم‌تر اینکه، ذخایر اورانیوم غنی شده به ۶۰ درصدی ایران و سانتریفیوژهای پیشرفته‌تری که به نظر می‌رسد همچنان سالم باشند، همان طور که بسیاری از تحلیلگران پیش از جنگ هشدار داده بودند، تأیید خسارات جدی به زیرساخت‌های هسته‌ای ایران بدون بازرسی‌های میدانی غیرممکن است.

همچنین در نتیجه این جنگ، توانایی‌های موشکی ایران با وضوح غیرقابل انکار به نمایش گذاشته شد. موشک‌های بالستیک ایران با موفقیت از دفاع هوایی اسرائیل و ایالات متحده عبور کردند و پایگاه‌های نظامی، مجتمع‌های اطلاعاتی، پالایشگاه‌های نفت و مراکز تحقیقاتی را هدف قرار دادند گرچه سانسور اسرائیل گزارش‌های عمومی را محدود کرد.»

به نوشته فارن پالیسی «سامانه‌های دفاع موشکی مانند آرو (Arrow) و تاد (THAAD) بشدت مصرف

چیزی جز جنگ‌های بیشتر و در راه نخواهد بود.

همان طور که انتظار می‌رفت، استقرار مجدد دونالد ترامپ در کاخ سفید با شعار «اول آمریکا»، تکانه‌های بیشتری بر نظام جهانی رو به احتضار کنونی وارد آورد تا معنای چیزی باشد که رابرت کیگان در عنوان کتابش آورده است: «جنگل بازی می‌گردد» سال ۱۴۰۴ مشحون از اتفاقات ریزو درشتی بود که هر کدام اهمیت خاص خود را داشت: از تداوم نسل کشی اسرائیل در غزه با اعمال سیاست کرسنگی عمدی در این باره که تصمیم جنجالی رژیم برای الحاق کرانه باختری گرفته تا فاجعه سودان و الفاشر، دشمنی بی سابقه عربستان سعودی و امارات متحده عربی، ترور چارلی کرک فعال سیاسی آمریکایی، طولانی‌ترین تعطیلی تاریخ دولت آمریکا و کش و قوس ادامه‌دار جنگ اوکراین و رها شدن کی ویف و

تحقیر متناوب زلنسکی و رهبران اروپایی توسط ترامپ از جمله در اجلاس داووس.
با این وجود اتفاقاتی هستند که به عنوان نقطه عطف در تاریخ به شمار می‌روند. یکی از آنها در ۱۴۰۴ به رسمیت شناخته شدن کشور فلسطینی توسط سازمان ملل و متحدان عمدتاً غربی اسرائیل بود و به موازات آن انزوای بیشتر رژیم صهیونیستی در دنیا بود. در این میان شاید ویژه ترین رخداد سال، تاب آوری ایران زمین در برابر تهاجم نظامی و اقتصادی دشمنانش بود، دشمنی که کمر به انهدام و تجزیه این مرز و بوم دوخته و در مقابل چیزی که دشت خواهد کرد برخاستن قنوقس ایران از خاکستر جنگ خواهد بود. در ادامه مهم‌ترین اتفاقات امسال در سپهر سیاست بین‌الملل پرداخته می‌شود.



پرچم ایران

دگرگون ساخته است.

کشورهای عرب به این جمع بندی رسیده‌اند که اسرائیل اکنون هنجارهایی را که رهبران عرب تصور می‌کردند هنوز بر منطقه حکمفرماست، زیر پا گذاشته‌است. انفعال آمریکا هم این برداشت را تقویت کرد که وااشنگتن از مهار حملات نظامی اسرائیل خودداری می‌کند. حمله به قطر حاکمان خلیج فارس را ناگزیر کرد با این واقعیت روبه‌رو شوند که وااشنگتن ظاهراً نمی‌خواهد با نیمی تواند نزدیک‌ترین متحد خود را کنترل کند. نتیجه، احساسی است مبنی بر اینکه تضمین‌های امنیتی در حال فروریختن است.

دگرگونی رابطه ترکیه-اسرائیل

رابطه ترکیه و رژیم صهیونیستی شاید به طور بی سابقه‌ای در حال عزمیت به نقطه اوج خصومت است. تحولات دو سال گذشته الگوی روابط آن‌کارا، تل آویوو را به رقابت و سپس دشمنی تغییر داده است. اگر پس از سقوط دولت بنشار اسد، سوریه به میدانی برای تقابل فراینده اردوغان و نتانیاهو تبدیل شد، مدیترانه شرقی حالا آوردگاه دیگری از رهبر جهانی، از جمله رهبران کره شمالی، هند، ایران، کشورهای آسیای مرکزی، ترکیه، شریک تدارک دیده است؛ جایی که رهبران کشورهای رقیب ترکیه در شرق مدیترانه یعنی یونان و قبرس در بیت المقدس اشغالی تشکیل جلسه دادند و نخست وزیر رژیم صهیونیستی از این فرصت برای هشدار به ترکیه و رجب طیب اردوغان استفاده کرد. نتانیاهو که در کنار میستوتاکیس نخست‌وزیر یونان و نیکوس کریستودولیدس رئیس جمهوری قبرس ایستاده بود، با اشاره‌ای تلویحی به ترکیه گفت: «کسانی که خیال می‌کنند می‌توانند امپراطوری‌ها و سلطه خود را بر سرزمین‌های ما دوباره برقرار کنند، باید این را فراموش کنند.» تل آویوو و آنکارا به عنوان دو بازیگری که در سوریه سیاست‌های حداکثری را دنبال کرده و حاضر به واگذاری نقش خود در این کشور نیستند.»

جنگ رمضان و تغییر پارادایم در نظم منطقه و جهان

تجاوز آمریکا و اسرائیل علیه ایران در اسفند، به نبردی تبدیل شد که نفس جهان را در سینه حبس کرده است. دفاع مشروع ایران در پاسخ به تجاوز قیافونوی آمریکا-رژیم صهیونیستی به ایران و ترور رهبر شهید انقلاب و جمعی از فرماندهان نظامی باعث تحت تأثیر قرار دادن اقتصاد بین‌الملل شده است، ایران با اهرم تنگه هرمز، فشار بی‌سابقه‌ای بر دونالد ترامپ وارد ساخته است. آمریکا دارایی‌های باارزشی را در خاورمیانه از دست داده است، از سامانه‌های اتاد تا انهدام پایگاه‌های نظامی ایالات متحده در غرب آسیا که در ۸۰ سال گذشته هیچ کشوری به آن حمله نکرده بود. از همه مهم‌تر، ضربه حیثیتی است که ایران در این جنگ بر آمریکا وارد آورده است.

دیلی می نویسد «سته شدن تنگه هرمز، که در حال حاضر باعث افزایش قیمت نفت شده است، می‌تواند از نظر اقتصادی بسیار بزرگتر از شوک‌های نفتی سال‌های ۱۹۷۳ و ۱۹۷۹ باشد.» به نوشته این روزنامه اثرات جنگ در حال حاضر بر کشاورزان آمریکا که به صادرات خلیج فارس متکی هستند، تأثیر گذاشته است. به نوشته این روزنامه انگلیسی ایران ثابت کرد که بسیار مقاوم‌تر و آماده‌تر از آن چیزی است که ایالات متحده تصور می‌کرد و امیدهای ترامپ را برای پیروزی سریع و قاطع پس از شهادت رهبری این کشور از بین برد. دیلی میل نتیجه می‌گیرد ترامپ که در تنگنای قرار گرفته با یک انتخاب سخت روبه‌رو است؛ یا تلفات سنگین نظامی یا افزایش شدید قیمت نفت به ۲۰۰ دلار در هر بشکه.

تمامی کارشناسان بین‌المللی متفق القول معتقدند که اقدام نسنجیده و ناخردانه دونالد ترامپ علیه ایران سرآغاز تضعیف بنیادین قدرت آمریکا در جهان خواهد شد. در حالی که این جنگ همچنان ادامه دارد اما در این تردیدی نیست که تاریخ روابط بین‌الملل معاصر به قبل و بعد از این جنگ تقسیم خواهد شد.

نظرسنجی مؤسسه یوگاو، ۶۲ درصد از جوانان آمریکایی نگاه مثبتی به سوسیالیسم دارند.

ونزوئلا و کودتای ترامپ علیه نظام بین‌الملل

رپایش نیکلاس مادورو، رئیس‌جمهوری سوسیالیست ونزوئلا، به‌دست نیروهای مهاجم ایالات متحده، موجی از ترس و بهت را در سراسر جهان برانگیخت. این کودتا؛ غیرقانونی، بی دلیل و از نظر منطقه‌ای و جهانی بی‌ثبات‌کننده بوده و هنجارهای بین‌المللی را زیر پا گذاشته و حقوق حاکمیتی و تمامیت‌ارضی کشورها را نادیده انگاشته. این آشوبی است که به سیاست تبدیل شده، اما این همان جهانی است که اکنون در آن زندگی می‌کنیم: «جهان دونالد ترامپ،» حمله مستقیم به ونزوئلا نمونه‌ای خارق‌العاده و خطرناک از اعمال بی‌قیدوشرط قدرت بود. این اقدام پس از ماه‌ها تشدید فشارهای نظامی، اقتصادی و سیاسی آمریکا بر دولت مادورو صورت گرفت. ترامپ چشم طمع به منابع عظیم نفت و گاز ونزوئلا دوخته است. هدف قرار دادن کاراکاس، انگیزه دونالد ترامپ را آشکار می‌کند. او در کنفرانس مطبوعاتی خود پس از عملیات، اولویت اصلی را دسترسی آمریکا به ذخایر نفتی ونزوئلا، بزرگ‌ترین ذخایر نفتی جهان عنوان کرد. اهداف ثانویه تشدید فشار بر کوپا بود که بنشدت به نفت بارانهای ونزوئلا برای تقویت اقتصاد تحریم‌شده خود وابسته است.

تمامی کارشناسان بین‌المللی متفق القول معتقدند

که اقدام نسنجیده

و ناخردانه

دونالد

ترامپ علیه

ایران سرآغاز

تضعیف

بنیادین

قدرت آمریکا

در جهان

خواهد شد.

در حالی که

این جنگ

همچنان

ادامه دارد

اما در این

ترددیدی

نیست که

تاریخ روابط

بین‌الملل

معاصر به قبل

و بعد از این

جنگ تقسیم

خواهد شد

بین‌الملل

بدون روتوش



محمد محسن قاضی

کارشناس مسائل فلسطینی

ایران و تصعید تنش در جبهه‌های جدید

در شانزدهمین روز جنگ رمضان، که ایران دومین بار برای حفظ عزت و استقلال خودش در سال ۱۴۰۴ مقابل تهاجم آمریکایی-اسرائیلی ایستاده است، سخنگوی قرارگاه خاتم الانبیا در بیانیه ای موضوع جدیدی را مطرح کرد. در آن بیانیه تأکید شد: «حضور ناو هواپیمابر جرالد فورد آمریکا در دریای سرخ، به‌عنوان تهدیدی علیه ایران محسوب می‌گردد. لذا مراکز لجستیکی و خدمات‌دهی به ناوگروه یاد شده در دریای سرخ، به عنوان هدف نیروهای مسلح ایران محسوب می‌شود.»

تأکید بر هدف قرار دادن این ناو آمریکایی در دریای سرخ، اولین گمانه زنی‌هایی که به ذهن می‌رساند، نقش آفرینی آن بازیگری است که طی نزدیک به دو سال در حمایت از مقاومت غزه، کشتی‌های آمریکایی را در دریای سرخ هدف قرار

می‌داد. درست روز قبلی‌الخبیتی عضو شورای سیاسی انصارالله که به‌عنوان سخنگوی یعنی‌ها هم شناخته می‌شود در مصاحبه با المیادین تأکید کرده بود: «میان کشورهای محور مقاومت از جمله یمن هماهنگی کاملی وجود دارد. تصمیم در یمن برای ایستادن در کنار ایران گرفته شده است. ما اوضاع را زیرنظر داریم و همان‌طور که رهبرمان عبدالملک حوثی گفته است انگشت ما روی ماشه است.»

همچنین در هفته ای که گذشت چندین بار از سوی رسانه‌های عبری به نقل از مقامات ارتش رصد جابه جایی و آمادگی‌ها در یمن برای پوسستن به جنگ رمضان منتشر شده است. اما سوال اینجاست که چرا انصارالله تا کنون وارد نشده است؟ در پاسخ باید گفت اگرچه راهبرد ایران در جنگ منطقه ای و بالا بردن هزینه برای همه کشورهای نقش آفرین مستقیم و غیر مستقیم در نبرد علیه ایران است، اما سطح تنش و شدت حملات به کشورهای عربی را کنترل شده و گام به گام پیش برده است و از مسیر دیپلماسی هم سعی کرده است با تقاس‌های مختلف سطح روابط را کنترل و توجیه کند. ورود انصارالله و کارکرد اصلی او می‌تواند در دریای سرخ، باب‌المندوب و حملاتی به منافع آمریکا در خلیج فارس حاشیه خلیج فارس باشد. لذا ورود انصارالله می‌تواند سطح تنش منطقه‌ای را دوچندان کند؛ اما به نظر می‌رسد در صورت تداوم حملات و گام برداشتن آمریکا به سوی تصعید‌های بالاتر آنگاه ایران با وارد کردن انصارالله به معادلات می‌تواند وضعیت انرژی را برای ترامپ بسیار بغرنج تر کند.

از سوی دیگر محور لبنان هم یک هفته‌ای است با اعلامیه‌ای رسمی وارد نبرد شده است و حزب الله ضمن شلیک سیستم بین‌المللی گارابی خود را از دست داده و نظم مبتنی بر قانون دیگر یک شعار منسوخ و فراتر از آن یک طنز تلخ به نظر می‌رسد. از دو سال گذشته، جنگ چین-کشتی‌های اسرائیلی بر این باره که تحصیل کرد، به بزرگ‌ترین آزمایشگاه شنجش فرضیه پایان نظم جهانی پساچنگ سرد تبدیل شده بود و هیأت صلح ترامپ آخرین شواهد مربوط به صحت این گزاره را به نمایش گذاشته است. صرف‌نظر از چالش‌هایی که شورای امنیت بآن مواجه است، هیأت صلح ترامپ قادر به جایگزینی شورای امنیت نخواهد بود، اما تأثیر آن عمیق چندپارگی نظام بین‌الملل و آسیب بیشتر به منافع ایالات متحده خواهد بود.

این نهاد جدید با آزمون‌های سختی در ایجاد ثبات در نوازه غره روبه‌رو است؛ نوری که در حال حاضر بین مناطق تحت کنترل حماس و مناطق تحت اشغال اسرائیل تقسیم شده است. قرار است این هیأت بر یک نیروی امنیتی بین‌المللی به غزه نظارت کند، اما آمریکا در کسب تعهدات لازم برای اعزام نیرو جهت تحقق این امر با مشکل مواجه شده است. تعداد قابل توجهی از کشورهای عربی و مسلمان در میان امضاکندگنان منشور هیأت صلح هستند، احتمالاً برای اینکه در بحث‌های مربوط به

آینده متحده و فلسطین، جایگاهی در میز مذاکره به دست آورند. اگر این هیأت برای پیشرفت در بازسازی غزه با مشکل مواجه شود، کل این پروژه اعتبار خود را از دست خواهد داد.

غروب کنترل تسلیحات

پیمان جدید کاهش تسلیحات استراتژیک (استارت جدید) -آخرین توافق کنترل تسلیحات بین

ایالات متحده و روسیه که تسلیحات هسته‌ای استراتژیک را محدود می‌کند- در بهمن ماه منقضی شد. پس از آن، هیچ سند الزام‌آور قانونی یا حتی بحث‌های فعالی بین دو کشور در مورد محدود کردن زرادخانه‌های هسته‌ای‌شان وجود نداشته

است. با منقضی شدن این پیمان، بیش از نیم قرن محدودیت برسلاح‌های هسته‌ای استراتژیک ایالات متحده و روسیه پایان یافت. پیمان استارت جدید که اولین بار در سال ۲۰۱۰ در پراگ توسط باراک اوباما و دیمیتری مدودف، رؤسای جمهوری وقت آمریکا و روسیه امضا شد، زرادخانه هسته‌ای هر طرف را به ۱۵۵۰ کلاهک استراتژیک محدود می‌کرد؛ کاشی تقریباً ۳۰ درصدی نسبت به محدودیت قبلی که در سال ۲۰۰۲ تعیین شده بود.